

Significance of Personality Dossier for Female Accused and Convicted Individuals in the Iranian Legal System

Nayerreh Ahmadi¹

Zahra Boorboor²

Elham Shariati³

(Received on: 2023-09-05; Accepted on: 2024-01-30)

Abstract

Opening personality dossiers is crucial for ensuring proportionality between crime and punishment, as well as for applying the principle of punishment individualization. This approach helps tailor corrective, educational, and curative methods to the criminal's personality. However, the lack of policies addressing the various dimensions of female accused individuals diminishes the effectiveness of personality dossier openings, particularly for women, and undermines their access to criminal justice. Using a descriptive-analytic method and bibliographical data collection, this research explores the significance of opening personality dossiers for female accused and convicted individuals within the Iranian legal system. The findings suggest that incorporating personality dossier openings for women may be necessary within the Islamic legal framework. For example, Islam differentiates punishments for female and male criminals, acknowledges the differences in the nature of crimes committed by women and men, and considers specific factors contributing to women's criminal behavior.

Keywords: Islamic legal system, Islamic criminal policy, women's rights, differentiation, female accused and convicted individuals.

1. PhD student, Women's Studies (Women's Rights in Islam), Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
(corresponding author). Email: ahmadinayerreh@modares.ac.ir

2. PhD student, Women's Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.
Email: zboorboor@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Social Science and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran.
Email: e.shariati@alzahra.ac.ir

ضرورت توجه به پرونده شخصیت زنان متهم و بزهکار در نظام حقوقی ایران

نیره احمدی^۱

زهرابوربور^۲

الهام شریعتی^۳

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰]

چکیده

تشکیل پرونده شخصیت، در باب ایجاد تناسب میان جرم و مجازات و اعمال اصل فردی کردن مجازات‌ها و تعیین روش‌های اصلاحی، تربیتی و درمانی متناسب با شخصیت بزهکار اهمیت می‌یابد؛ اما وجود نداشتن سیاست‌های شناسایی ابعاد مختلف شخصیت متهم زن، موجب شده است تشکیل پرونده شخصیت با شکل و محتوای کنونی کارایی مورد نظر را درباره زنان متهم و بزهکار نداشته باشد و دسترسی زنان به عدالت کیفری را با خدشه مواجه کند. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای، درصدد توجیه ضرورت توجه به پرونده شخصیت زنان متهم و بزهکار در نظام حقوقی ایران است. نتایج پژوهش نشان از وجود مواردی است که لزوم تشکیل پرونده شخصیت ویژه زنان متهم و بزهکار را در نظام حقوقی اسلام تأکید می‌کند؛ از جمله می‌توان به تعیین مجازات متفاوت برای مجرمان زن و مرد در جرم واحد، تفاوت ماهیت جرایم ارتكابی زنان و مردان و توجه به علل خاص مؤثر در ارتكاب جرایم از سوی زنان اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: نظام حقوقی اسلام، سیاست جنایی اسلام، حقوق زن، افتراقی‌سازی، زنان متهم و بزهکار.

۱. دانشجوی دکتری مطالعات زنان (حقوق زن در اسلام)، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول) ahmadinayereh@modares.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مطالعات زنان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران zboorboor@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران e.shariati@alzahra.ac.ir

مقدمه

یکی از آسیب‌های اجتماعی جوامع، پدیده جرم و بزهکاری است که بر اثر عوامل مختلفی نظیر فقر، بیکاری، بحران‌های اقتصادی و اجتماعی، تضعیف اعتقادات مذهبی و... پدید می‌آید. جرم و بزهکاری منحصر به مردان نیست و زنان نیز مرتکب جرم می‌شوند. اگرچه ممکن است تعداد زنان مجرم کمتر از مردان باشد، تأثیر اجتماعی و فرهنگی بزهکاری زنان بسیار بیشتر از مردان است (شایگان و معتمدی، ۱۳۹۳: ص ۱۶۴). زنان اصلی‌ترین رکن در ساختار فرهنگی و تربیتی نسل آینده جامعه هستند؛ از این رو بزهکاری آنان موجب نگرانی است و مقابله و مواجهه با آن نیاز به تدابیر و کارهای جدی و برنامه‌ریزی منسجم در سیاست جنایی است.

از آنجا که ریشه جرم را باید در حالت خطرناک مرتکب جستجو کرد و حالت خطرناک مفهومی روان‌شناختی و دارای دو جنبه درونی - ذهنی و روانی و بیرونی است، برای تشخیص درست آن (پیش از اتخاذ شیوه‌های درمانی بازپرورانه) ناگزیر نیاز به تدبیر دیگری است که در کنار پرونده قضایی (کیفری) بتواند به فرایند درمان و بازپروری بزهکار کمک کند؛ از این رو تشکیل پرونده شخصیت در کنار پرونده قضایی ضرورت می‌یابد. بر این اساس فلسفه پرونده شخصیت عبارت است از شناخت بیشتر و بهتر بزهکار برای اثربخشی بیشتر و بهتر فرایند اصلاح رفتار و منش او که سرانجام به پیشگیری از جرم و تکرار جرم می‌انجامد (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ص ۳۰). به استناد بند پ ماده ۱ دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت متهم ابلاغی قوه قضاییه مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۶، باید گفت مواردی از قبیل سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و نیز وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم، از جمله مباحثی است که در تشکیل پرونده شخصیت، مورد توجه قرار دارد.

گفتنی است جنسیت بر روی نوع، میزان و شدت جرایم ارتكابی و چگونگی ارتكاب جرایم تأثیرگذار است. با وجود اینکه برخی از صفات در زنان و مردان مشترک است، بعضی از صفات اختصاص به یکی از این دو جنس دارد یا در یک جنس برجسته‌تر است؛ به دلیل همین امر انواع جرایم غالباً از طرف یکی از دو جنس صورت می‌گیرد (وطنی و همکاران، ۱۳۹۸: ص ۱۷۶). بنابراین لازمه تحقق دادرسی عادلانه، اتخاذ یک سیاست جنایی افتراقی است که تفاوت‌های زن و مرد را مدنظر قرار دهد. سیاست جنایی افتراقی، مجموعه شیوه‌ها و روش‌هایی است که دولت به وسیله آن، پاسخ‌های کیفری و غیرکیفری خود درباره پدیده مجرمانه را بر اساس شرایط و مقتضیات گونه‌های مختلف بزه، بزهکار و بزه‌دیده سازماندهی می‌کند (حسنی، ۱۳۹۷: ص ۱۴۶).

از آنجاکه تشکیل پرونده شخصیت، یکی از ابزارهای کارآمد در تحقق عدالت، اصل فردی کردن مجازات و تناسب جرم و مجازات است، سیاست افتراقی در رابطه با پرونده شخصیت نیز باید مورد توجه قرار گیرد؛ چراکه صرف ذکر جنسیت بزهکار ملاک نیست، بلکه باید ویژگی‌هایی که حول آن جنسیت در وجود آن شخص قابل توجه و مهم است، با مصاحبه‌هایی شناسایی و به طور خلاصه برای مقام قضایی مشخص شوند (وطنی و همکاران، ۱۳۹۸: ص ۱۷۶).

به زعم برخی دانشگاهیان، جرم‌شناسی فمینیستی داعیه دار احقاق حقوق کیفری زنان و مبدع نظریه سیاست جنایی افتراقی در قبال زنان متهم و بزهکار است؛ درحالی که دین مبین اسلام از هزار و چهارصد سال پیش، با لحاظ تفاوت‌های زن و مرد و به اقتضای عدالت، پیش‌قراول احقاق حقوق کیفری زنان بوده است و سیاست جنایی افتراقی مدبرانه‌ای را درباره زنان بزهکار اتخاذ کرده است. همین مسئله مؤید لزوم افتراقی‌سازی پرونده شخصیت است.

تاکنون پژوهش‌های متعددی درباره موضوع پرونده شخصیت انجام گرفته است که می‌توان این پژوهش‌ها را در سه محور ذیل دسته‌بندی کرد:

(الف) ضرورت، ابعاد و آثار تشکیل پرونده شخصیت؛

(ب) نقد روند تشکیل پرونده شخصیت و موانع تحقق اهداف آن؛

(ج) ضرورت تشکیل پرونده شخصیت برای اطفال، نوجوانان و جوانان.

نجفی توانا (۱۳۸۸) در پژوهشی به بررسی وضعیت حقوقی و قانونی جایگاه پرونده شخصیت در نظام قضایی اطفال ایران پرداخته است و جهات مثبت و منفی آن را با لحاظ لایحه پیشنهادی رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، به محک نقد و بررسی درآورده است. ابراهیمی (۱۳۹۰) در مطالعه خود به بررسی عوامل مختلفی می‌پردازد موانع اعمال دقیق تأسیس حقوقی و اتخاذ تصمیم‌های قضایی بر مبنای شخصیت افراد در کشورمان است. نتایج وی نشان می‌دهد موانع قانونی، موانع قضایی و موانع اجرایی از جمله موانع تحقق اهداف تشکیل پرونده شخصیت هستند. محمدیان و محمدرضاپور (۱۳۹۲) در مطالعه خود بر لزوم تشکیل پرونده شخصیت تأکید کرده‌اند. آشوری و عظیم‌زاده (۱۳۹۲) در پژوهش خود جایگاه پرونده شخصیت در فرایند پیشگیری از پایداری بزهکاری جوانان را بررسی کرده‌اند. سلیمانی و حجاریان (۱۳۹۶) نیز به بررسی ابعاد مختلف پرونده شخصیت متهم در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ پرداخته‌اند. مطابق پژوهش سبزه‌علی و همکارانش (۱۳۹۷) بعضی راهکارهای جدید پیشنهادی مانند تعویق صدور حکم، جایگزین‌های حبس، تعلیق اجرای مجازات، معافیت از کیفر، آزادی مشروط که نیازمند مطابقت واکنش جزایی با شخصیت بزهکار است، تنها در گرو تشکیل پرونده شخصیت است. وطنی و همکارانش (۱۳۹۸) نیز به آسیب‌شناسی تحقق اهداف اصلاحی - درمانی بزهکاران از طریق پرونده شخصیت در فرایند دادرسی کیفری

پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق بیان می‌کند وجودنداشتن افراد متخصص در تشکیل و جمع‌آوری اطلاعات لازم در پرونده شخصیت از یک سو و اختصار بیش از حد فرایند تشکیل آن از سوی دیگر، سبب شده است که تشکیل پرونده شخصیت، صبغه‌ای اداری و غیرتخصصی به خود بگیرد و عوامل مهمی چون اختصاص نداشتن بودجه‌های مرتبط، پیاده‌سازی اهداف اصلاحی و درمانی بزهکار را با چالش جدی روبرو کنند. رایجیان اصلی (۱۳۹۸) در پژوهش خود به نقد دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت پرداخته است. صادق‌زاده (۱۳۹۹) نیز بر ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در رسیدگی به جرایم اطفال تأکید کرده است. عاکفی و همکارانش (۱۳۹۹) ضمن تأکید بر ضرورت تشکیل پرونده شخصیت اطفال بزهکار، به این نتیجه دست یافته‌اند که شناسایی شخصیت اطفال بزهکار تأثیر بسزایی در فردی کردن مجازات، شناخت علل جرم‌آفرین و جامعه‌پذیری مجرم پس از تحمل مجازات دارد. بر اساس پژوهش مرادی شورابه و فرهادی سمن بانی (۱۴۰۰) فردی کردن مجازات‌ها در پرتو تشکیل پرونده شخصیت، در مراحل دادرسی به‌ویژه تصمیم‌گیری نهایی توسط مقام قضایی آثار مطلوبی دارد؛ همچنین در مرحله پساکیفری بر زندگی فردی و اجتماعی مجرم و نیز کنترل رفتارهای مجرمانه که احتمال ارتکاب آن در آینده وجود دارد، مؤثر است و سبب کاهش میزان تمایل به بزهکاری مجدد می‌شود. امینی و همکارانش (۱۴۰۱) نیز در پژوهشی به بررسی جایگاه پرونده شخصیت مجرم و نقش آن در کشف جرم پرداخته‌اند.

هرچند اهمیت بحث بررسی شخصیت بزهکار در فرایند جرم و تشکیل پرونده شخصیت در نظام‌های کیفری، اندیشه نوینی نیست و مطالعات نسبتاً مطلوبی در این حوزه انجام گرفته است، حلقه مفقود مطالعات علمی موجود، پژوهش‌هایی با موضوع پرونده شخصیت با نگاهی افتراقی و خاص زنان متهم و مجرم است. درواقع به دلیل وجودنداشتن سیاست‌های افتراقی و شناسایی نشدن ابعاد مختلف شخصیت متهم

زن، دادرسی عادلانه تا حد زیادی مورد خدشه قرار می‌گیرد؛ چراکه اساساً با توجه به تفاوت‌های زن و مرد، باید پرونده شخصیت متهم به لحاظ محتوایی و شکلی متناسب با هر یک از دو جنس تنظیم گردد تا منعکس‌کننده تفاوت‌های زن و مرد از نظر جسمی، روحی، عاطفی، نقش‌ها و مسئولیت‌ها و ... باشد؛ از این رو در پژوهش پیش‌رو با روش توصیفی - تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات اسنادی، به ضرورت توجه به پرونده شخصیت پرداخته شده است.

۱. پرونده شخصیت

به استناد بند پ ماده ۱ دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت متهم ابلاغی قوه قضاییه مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۶، پرونده شخصیت عبارت است از: «پرونده‌ای مشتمل بر اطلاعات شخصی متهم از قبیل سوابق فردی، خانوادگی، اجتماعی، تحصیلی و وضعیت شغلی، اقتصادی، پزشکی و روان‌پزشکی و سوابق کیفری متهم که بر اساس مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به منظور استفاده در اتخاذ تصمیم مناسب قضایی در کنار پرونده قضایی تشکیل می‌شود». تشکیل پرونده شخصیت متهم به منظور تحقق دادرسی کیفری عادلانه، اصل فردی کردن مجازات‌ها، تعیین ضمانت اجرای مناسب با اوصاف شخصیتی بزهکار، اصلاح و درمان بزهکار و پیشگیری از تکرار جرم ضرورت می‌یابد.

گرچه تشکیل پرونده شخصیت در سه مرحله قبل از محاکمه، در جریان محاکمه و بعد از محاکمه سودمند است، در ایران بر اساس ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی در امور کیفری تنها پس از محکومیت و در مرحله اجرای حکم مورد تصریح قانون‌گذار قرار گرفته است. شخصیت متهم در حقوق کیفری ایران در برخی قوانین از جمله مواد ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۶۰ و ۶۴ قانون مجازات اسلامی مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. در مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی درباره اختیارات قاضی در مجازات‌های تعزیری به این موضوع اشاره و

از جمله جهات تخفیف مجازات، به شرایط خاص متهم و زمینه‌های روانی ارتکاب جرم اشاره شده است. بر اساس ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی نیز پس از احراز مجرم بودن متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی، اجتماعی، سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم شده است و در صورت وجود شرایط مدنظر دادگاه، می‌توان صدور حکم را به تعویق انداخت. مطابق ماده ۶۰ قانون مجازات اسلامی نیز دادگاه می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال وقوع جرم و ویژگی‌های روانی و شخصیت محکوم، او را در مدت آزادی مشروط، به اجرای دستورهای مندرج در قرار تعویق صدور حکم ملزم کند. با توجه به ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی مجازات‌های جایگزین حبس در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و دیگر اوضاع و احوال، تعیین و اجرا می‌شود. در مواد ۲۰۳، ۲۷۹ و ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری نیز تشکیل پرونده شخصیت مورد توجه قرار گرفته است و به تشکیل پرونده شخصیت برای اطفال و نوجوانان و در جرایم مهم تصریح شده است. مواد ۴۷ و ۶۴ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ به موضوع پرونده شخصیت پرداخته است؛ بر این اساس «محکومان حداکثر دو ماه در قسمت پذیرش و تشخیص تحت آزمایش‌های پزشکی، روان‌پزشکی، آزمون‌های روان‌شناسی و شناخت شخصیت و استعداد قرار گرفته و میزان سلامت جسمی و روانی، معلومات و اطلاعات مذهبی، علمی و فنی آنان در جهت شناخت شخصیت بررسی و تعیین می‌شود».

با این وجود خلأ سیاستی افتراقی درباره پرونده متهمان و مجرمان زن احساس می‌شود. گفتنی است تنها در یک مورد آن هم در منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران مصوب شهریور ۱۳۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی در ماده ۱۳۲ به طور ضمنی درباره حق برخورداری زنان از تخفیف قانونی از نظر مجازات یا معافیت از آن یا

شیوه اجرا در صورت ندامت یا اثبات توبه زنان بزهکار در زمان بارداری، شیردهی و بیماری به توصیه بسنده کرده است؛ این پیشنهاد نیز چندان که باید نمی‌تواند کاربری لازم در شیوه دادرسی متفاوت و عادلانه برای زنان به همراه داشته باشد.

۲. جرم‌شناسی فمینیستی

جرم‌شناسی و فمینیسم هر دو مدعی اصلاح قوانین و مقررات در راستای بهبود وضعیت زنان هستند؛ جرم‌شناسی با بررسی علل وقوع جرم و نقد و ارزیابی مقررات سیستم عدالت کیفری و فمینیسم با ارائه کاستی‌های مقررات در زمینه حقوق زنان. فمینیسم جنبشی است که تنها به دنبال کسب برابری اجتماعی برای زنان نیست، بلکه به دنبال رفع انواع تبعیض‌های جنسیتی، نژادی و طبقاتی است. جرم‌شناسی فمینیستی از حیث طبقه‌بندی ذیل جرم‌شناسی انتقادی قرار می‌گیرد (درازی و حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۸). جرم‌شناسی فمینیستی، مجموعه‌ای از دیدگاه‌های نظری است که در مبنای بایکدیگر مشترک و مبتنی بر ساختارهایی هستند که متأثر از تجارب عرفی و اجتماعی و تفاوت‌های جنسیتی در جامعه‌اند. از نظر جرم‌شناسان فمینیست، جامعه امروز بر مبنای دو رکن اصلی «تبعیض جنسیتی» و «قدرت» بنا شده است و سرمایه‌داری سلطه‌مدار اجتماعی محور اساسی آن است. «تبعیض جنسیتی» بیان‌کننده نگرش‌ها و رفتارهای تحقیرآمیز در برابر یکی از دو جنس است و زنان به واسطه اعمال «قدرت» از سوی مردان، تحت سلطه و اقتدار آنان قرار می‌گیرند (رستمی تبریزی، ۱۳۸۸: ص ۲۸۲ - ۲۸۳).

به اعتقاد جرم‌شناسان فمینیست، باید الگوهای نظری موجود را تغییر داد تا نقش جنسیت در بیان علت قانون‌شکنی بعضی زنان آشکار شود؛ چراکه سرنوشت زنان با مناسبات طبقاتی و جنسیتی گره خورده است. زنان زندگی را با واسطه مناسبات طبقاتی و جنسیتی تجربه می‌کنند؛ همچنین آنها بر این عقیده‌اند که مناسبات مردسالارانه، ایدئولوژی‌های

زنانگی و نقشی که در خانواده به زن محول شده است، در این زمینه عوامل مهمی به شمار می‌آیند. هرچند باید هر فرد را در هدایت سرنوشت و اعمال و افکار خود آزاد دانست، بستر این آزادی عمل در محیط اقتصادی، ایدئولوژیکی و سیاسی موجود برای زنان فراهم نیست. به اعتقاد آنان لازم است قانون‌شکنی زنان در پیوند با شیوه برخورد دستگاه قضایی با ایشان نیز تجزیه و تحلیل شود. شاید با توجه به کنترل دوگانه‌ای که نظام طبقاتی و جنسیتی بر زنان اعمال می‌کند، بتوان توضیح داد که چرا بیشتر زنان قانون را رعایت می‌کنند (آبوت و والاس، ۱۳۹۷: ص ۲۱۹).

از نظر جرم‌شناسان فمینیست، مرز میان بهنجاری و نابهنجاری انعطاف‌پذیر است؛ یعنی ممکن است آنچه را برای مردان بهنجار می‌دانند، برای زنان نابهنجار بشمارند و تازه گوناگونی‌های طبقاتی و قومی را نیز نباید از نظر دور داشت. جرم و خلافکاری پدیده ثابتی نیست، بلکه از نظر تاریخی و فرهنگی متغیر است. اینکه رفتاری را بزهکارانه یا خلاف بدانند هم به زمینه اجتماعی و هم به شخصی بستگی دارد که آن رفتار از او سر زده است. کلیشه رایج که مجرم را مذکر و زنان مجرم را مبتلا به عدم کفایت روانی می‌پندارند، نه تنها بر نظریه‌های جامعه‌شناختی بلکه از یک سو بر مجریان دستگاه قضایی و از سوی دیگر بر تصور عمومی ما درباره سرشت زنان تأثیر می‌گذارد (آبوت و والاس، ۱۳۹۷: ص ۲۲۰).

به هر حال مطالعه وضعیت زنانی که به جرایم کیفری محکوم شده و به زندان افتاده‌اند، مؤید انتقادهای عمده فمینیست‌ها از جرم‌شناسی سنتی است. در این پژوهش‌ها چهار مشخصه اصلی بزهکاران مؤنث روشن شده است:

- الف) انگیزه زنانی که مرتکب جرایم مالی شده‌اند، ناشی از عوامل اقتصادی است؛ یعنی دزدی می‌کنند، چون به کالای دزدیده شده نیاز دارند؛
- ب) زنان همه انواع بزهکاری را مرتکب می‌شوند؛

ج) احساس فشار و هراس از داغ «بزهکاری» برای زنان کاملاً جدی است؛
د) زنان دو برابر منحرف دانسته می‌شوند؛ یکی به دلیل زیرپا گذاشتن قوانین اجتماعی و دیگر به سبب غیرزنانه و غیرطبیعی بودن؛ زیرا با وجود قواعد رفتار زنانه اقدام به عمل خلاف کرده‌اند.

حرف فمینیست‌ها این است که درنهایت به وجود نظریه‌هایی نیاز داریم که از پس فهم و توضیح قانون‌شکنی‌های مردان و زنان هر دو برآید؛ این مسئله بدان معنا نیست که فمینیست‌ها در پی نظریه‌ای فراگیر باشند که همه اعمال بزهکارانه را در هر شرایطی توجیه کند. آنچه ضرورت دارد یافتن نظریه‌هایی است که به تقسیم‌های جنسیتی و قومی و طبقاتی توجه داشته باشد؛ همچنین بررسی‌هایی که حوزه عمل آنها قلمرو گسترده‌تر اخلاق، سیاست، اقتصاد و جنسیت را دربرگیرد که بر مقام و منزلت زنان و مردان تأثیر می‌گذارند (آبوت و والاس، ۱۳۹۷: ص ۲۲۰ - ۲۲۱).

جرم‌شناسان فمینیست تجربه‌گرا نیز بر این باورند که دانش جرم‌شناسی مبتنی بر مردمحوری است و خلأ حضور زنان در پژوهش‌های جرم‌شناسی مشهود است؛ چراکه بررسی و مطالعه جرایم و روند رسیدگی کیفری فقط با تمرکز بر مردان صورت می‌گیرد. این فمینیست‌ها با انجام پژوهش‌هایی در رابطه با زنان بزه‌دیده، تلاش می‌کنند زنان را از حاشیه بیرون بیاورند و آنان را در تحقیقات جنایی و کیفری لحاظ کنند و بدین ترتیب رویکردی بی‌طرفانه اتخاذ کنند. فمینیست‌های تجربه‌گرا در پژوهش‌های خود متغیرهای آماری مانند میزان بزهکاری و بزه‌دیدگی زنان، نقش سن، طبقه و نژاد زنان را در روند رسیدگی کیفری و نوع مجازات زنان مورد توجه قرار داده‌اند. با توجه به نتایج حاصل از مطالعات آنان از علل نرخ پایین بزهکاری زنان می‌توان به بارداری، زایمان و تربیت فرزند و نقش‌های خانگی آنان اشاره کرد. (Ngaire, 1997: 32- 33)

یکی از دیدگاه‌ها در حوزه جرم‌شناسی زنان، نظریه مدونا - حور است. بر اساس آن، زنان در طول زندگی نقش‌های حساسی چون مادری و همسری را بر عهده می‌گیرند. ارتکاب رفتارهای متضاد با این نقش‌ها آنها را از انجام وظایف اساسی خود باز داشته است؛ از این رو شایسته نکوهش هستند. جرایم جنسی در تقابل با نقش‌های اساسی زنان قرار دارد و زمانی که آنان متهم به این نوع جرایم می‌شوند، نظام عدالت کیفری باید با شدت عمل برخورد کند. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد برای این زنان قرارهای تأمین کیفری سنگین در مقایسه با مردان صادر می‌شود و ظاهر و نوع پوشش و شیوه گفتار در توجه اتهام به آنها نقش پررنگی دارد. همچنین در برخی از موارد زنانی که خود شاکی پرونده جنسی بودند، تحت تأثیر کلیشه‌های جنسیتی محکوم شده‌اند (ناظریان و همکاران، ۱۳۹۸: ص ۲۰۹)؛ در حالی که با زنان متهم به جرایم دارای خشونت، با ملایمت بیشتری در برابر مردان برخورد می‌شود؛ بنابراین رسیدگی به جرایم زنان اغلب تحت تأثیر کلیشه‌های جنسیتی صورت می‌گیرد (معظمی، ۱۳۸۲: ص ۳۲).

می‌توان گفت از یک سو نگرش مبتنی بر قدرت و سلطه و از سوی دیگر برخورد ترحم‌آمیز و جوانمردانه با زنان و بزهکاری آنها از سوی رسانه‌ها، جامعه و نظام عدالت کیفری و مجریان آن منجر به نوعی نگاه تحقیرآمیز به زنان شده است. مبتنی بر این نگرش، مطیع بودن زنان و نقش‌آفرینی آنها در جایگاه یک فرزند، دختر، مادر یا یک همسر خوب مفروض گرفته شده است؛ از این رو مواجهه با بزهکاری زنان تا زمانی که از کلیشه‌های ذهنی مردان فاصله نگرفته باشند، همراه با تخفیف و سهل‌گیری است. از آنجاکه نگرش سهل‌گیرانه مبتنی بر کم‌ارزش بودن جایگاه و رفتارهای زنان است و نه بر مبنای توجه و حمایت از شأن و منزلت آنان، یک نگاه منفی دانسته می‌شود. در مقابل، در صورتی که زنان از کلیشه‌های ذهنی مردان و نقش یک زن خوب و مطلوب فاصله بگیرند، نه تنها مشمول تخفیف قرار

نمی‌گیرند، بلکه با آنها با سختگیری و شدت رفتار می‌شود. به عبارت دیگر دو مفهوم پدرسالاری و جوانمردی متفاوت‌اند و پدرسالاری بیان‌کننده رابطه مبتنی بر سلطه بر زنان است که با قرارداد زن هم‌تراز با کودکان بر آنان اعمال قدرت می‌کنند. با توجه به این نگرش، زنان موجوداتی ناتوان و محجور هستند که توان تصمیم‌گیری مسئولانه را ندارند و مسئولیت کمتری در رابطه با رفتارهای خود دارند؛ حال آنکه اگر زنان به گونه‌ای خارج از نقش‌های زنانه عمل کنند، دیگر رفتار نظام عدالت کیفری با آنان با تخفیف و نرمش نخواهد بود، بلکه همراه با شدت خواهد بود. (William Wilbanks, 2006: 522)

درمجموع با توجه دیدگاه‌های جرم‌شناسی فمینیستی می‌توان گفت از نظر جرم‌شناسان فمینیست اتخاذ یک سیاست جنایی افتراقی در قبال زنان امری دارای اهمیت است؛ درحالی‌که دین مبین اسلام این مهم را از نظر دور نداشته است و چهارده قرن پیش به منظور حمایت از حقوق کیفری زنان، سیاست جنایی افتراقی درباره زنان بزهکار در پیش گرفته است. درحالی‌که نظریات فمینیستی بر محور اصولی چون اومانیزم، فردگرایی، لذت‌جویی و مادی‌گرایی استوارند؛ اما بر نظام قانون‌گذاری اسلام، اصولی چون اصل حق محوری، اصل کرامت، اصل عدالت و اصل انطباق طبیعت با شریعت حکم فرماست و همین موضوع جامعیت و کارایی حقوق کیفری اسلام را آشکار می‌کند.

۳. نظام حقوقی اسلام درباره مجرمان زن

از نظر علم نوروبیولوژی، تفاوت‌های ساختاری و فیزیولوژیکی خاصی در زن و مرد وجود دارد که به رفتارهای متفاوت در زندگی آنها منجر خواهد شد؛ از جمله تفاوت‌ها عبارت است از: تفاوت زنان و مردان از نظر هوش، تفاوت سلولی و مولکولی حافظه زنان و مردان، تفاوت بخش حافظه (هیپوکمپ) زن و مرد، تفاوت بخش هیجان و عاطفه (آمیگدال) زن

و مرد، الگوهای متفاوت فعال سازی عاطفی در زنان و مردان، تفاوت زنان و مردان در حافظه هیجانی، تفاوت در آمیگدالای زنان و مردان در رفتار جنسی و تفاوت در تصمیم گیری و قضاوت در زنان و مردان (صالحی، اختری و ساقیان، ۱۳۹۹: ص ۷۵-۱۰۰).

دین اسلام با دیدی جامع و ژرف نگر به اقتضای عدالت و با توجه به تفاوت های طبیعی زن و مرد و به منظور حمایت از زنان، رویکرد افتراقی حکیمانه ای درباره زنان بزهکار اتخاذ کرده است؛ به طوری که در برخی جرایم اسباب تخفیف، تعویق یا معافیت زنان از مجازات را فراهم کرده است.

از آنجاکه تعیین مجازات مناسب، معلول شناخت ابعاد مختلف شخصیت متهم و بزهکار است، مصادیق تفاوت مجازات زن و مرد در فقه، تأییدکننده ضرورت افتراقی سازی و توجه به پرونده شخصیت متهم و بزهکار است؛ همچنین از آن نظر که تمامی این موارد را می توان جزء تدابیر و اقداماتی قلمداد کرد که قانون گذار با در نظر گرفتن مرد بودن یا زن بودن مجرم و برای مبارزه با بزهکاری، اصلاح یا سرکوب مرتکب به کار برده است، می توان مواجهه اسلام را افتراقی دانست. رویکردی حکیمانه و از روی عدالت که وضعیت، ویژگی و استعداد فرد را لحاظ کرده و برای تنبیه او شیوه های مؤثر ارائه می کند. قوت این رویکرد به اندازه ای است که نه تنها در سیاست گذاری ایجاد بستر گفتمانی می کند، بلکه در مقام عمل و رسیدگی به موضوعات حقوقی و کیفری، توصیه و امر به رعایت می کند یا قابل استنباط است.

به بیان دیگر علت اینکه دین مبین اسلام در برخی شرایط برای زن و مرد مجازات متفاوتی را لحاظ می کند، تفاوت زنان و مردان از نظر ابعاد فردی (جسمی و روحی)، خانوادگی و اجتماعی است؛ بنابراین می توان گفت دین اسلام همچون یک قاضی عادل با پیش فرض قراردادن تصویر کامل و روشنی از تفاوت های زنان و مردان، نقش ها و مسئولیت های آنان،

مجازات هر کدام را تعیین می‌کند. امروزه در نظام قضایی از این تصویر کامل و روشن درباره متهم و بزهکار با عنوان پرونده شخصیت یاد می‌شود. به تأسی از دین اسلام لازم است در نظام دادرسی ما، پرونده شخصیت به گونه‌ای تنظیم شود که منعکس‌کننده جمیع ویژگی‌ها و شرایط درونی و بیرونی متهم یا بزهکار باشد تا منجر به دادرسی عادلانه گردد؛ از این رو تهیه قالب پرونده شخصیت خاص زنان متهم و بزهکار که همه ابعاد وجودی زنان و شرایط آنها را قبل و هنگام وقوع جرم مورد لحاظ قرار دهد، ضروری است. در ادامه به بیان مصادیقی از تفاوت مجازات زن و مرد از دیدگاه فقه می‌پردازیم.

۳-۱. زنا

مجازات جرم زنا بر اساس نوع آن متفاوت است. در اقسام جرم زنا بین مجازات زن و مرد تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود:

الف) زناي اكراهي

بر اساس نظر فقیهان و به استناد روایت «اغتصب امراه فرجها قال یقتل محصناً کان او غیره»، مجازات مردی که زنی را به واسطه تهدید و فشار خارجی به ارتکاب عمل زنا اکراه کند، اعدام است (کلینی، ۱۴۳۰: ج ۲، ص ۲۹۰ و ج ۴، ص ۳۰؛ طوسی، ۱۳۶۵: ج ۱۰، ص ۱۷؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۴، ص ۴۱ و ج ۵، ص ۵۰۴). محقق نجفی درباره مجازات اعدام مرد زانی در زناي اكراهي، ادعای اجماع کرده است (محقق نجفی، ۱۳۶۲: ج ۴۱، ص ۳۱۵). اما درباره مجازات زنی که مردی را به زنا اکراه کند، مشهور فقیهان به استناد قاعده درء، لزوم اکتفا به مورد نص، خلاف اصل بودن مجازات اعدام، جلوگیری از تنقیح مناط ادله و اصل عدم براین باورند که مجازات زن مکروه اعدام نیست و تابع وضع او و دیگر قوانین زناست (ابن زهره، [بی‌تا]: ج ۱،

ص ۴۲۴). همچنین بر اساس روایت «اذا ادعت الاکراه قبل منها القول قولها خلافاً للرجل»، اساساً ادعای زنای اکراهی از سوی زنی مبنی بر اینکه فاعل وی را به زنا اکراه کرده است مسموع است، مگر اینکه خلاف آن اثبات شود؛ درحالی که ادعای زنای اکراهی از سوی مرد نیاز به اثبات است و اصل عدم اکراه از سوی فاعل زن است (سبزواری، [بی تا]: ج ۲۷، ص ۲۳۰).

ب) زنا با زن پدر یا شوهر مادر

بسیاری از فقیهان از جمله شیخ الطائفه، ابن ادریس حلی، ابن حمزه طوسی و حلی به حکم اعدام پسری تصریح کرده اند که با زن پدر خود زنا کرده است (طوسی، ۱۴۰۰: ج ۱، ص ۶۹۳؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۴۳۸؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸: ص ۴۱۰؛ حلی، ۱۴۰۵: ص ۵۵۰)؛ اما درباره مجازات زنی که با شوهر مادر خودش زنا کرده باشد، دو دیدگاه وجود دارد؛ مطابق نظر مشهور فقیهان، مجازات وی تابع احکام عمومی زناست و طبق دیدگاه غیرمشهور از جمله آیت الله خوانساری مجازات زن و مرد در فرض مسئله فوق یکسان (اعدام) است (خوانساری، ۱۳۵۵: ج ۷، ص ۲۵). گفتنی است گرچه به لحاظ دلایل فقهی تفاوت مجازات زن و مرد در این مورد توجیه شدنی نیست، قانون گذار به تبعیت از قول مشهور بین کیفر زن و مرد تفاوت قائل شده است.

ج) زنا با نابالغ

با توجه به جمع روایات وارد شده درباره زنا با نابالغ و بر اساس ضابطه حمل مطلق بر مقید، قاعده درء و اصل برائت از رجم، مجازات زنا با پسر نابالغ مطلقاً جلد و مجازات زنا با دختر نابالغ، در صورت احصان، رجم و در غیر این حالت، جلد است (خمینی، ۱۳۶۸: ج ۲، ص ۳۷۵؛ خویی، [بی تا]: ج ۱، ص ۳۴).

د) زنای بکر و بکره

مجازات بکر بر اساس دیدگاه مشهور فقیهان، جلد، تراشیدن موی سر و تبعید است؛ درحالی که مجازات بکره به سبب وجود شبهه، اصل برائت ذمه زن از تبعید (طوسی، ۱۴۱۷: ج ۵، ص ۳۶۸) و تعارض با قاعده «ولا تزروا وازره و زرا اخری»،^۲ تنها جلد است (محقق نجفی، ۱۳۶۲: ج ۴۱، ص ۳۲۸؛ فاضل هندی، [بی تا]: ج ۱۰، ص ۴۴۶). اما طبق دیدگاه غیرمشهور، بین زن و مرد در مجازات تبعید تفاوتی نیست. گرچه با توجه روایات وارد شده در این باره، نمی توان بین مجازات زن و مرد تفاوتی قائل شد؛ اما به دلیل رعایت مصلحت ترک حکم اولی، تبعید حدی زنان به لحاظ تحقق عنوان ثانوی از سوی حاکم دفاع شدنی است.

ه) تحقق احسان در زنای مستوجب رجم

در تحقق زنای مستوجب رجم، نیاز به وجود شرط احسان برای زانی یا زانیه است؛ بدین گونه که اگر زن و مردی که به عقد دائم هستند و امکان استمتاع روز و شب از یکدیگر را دارند و نزدیکی از جلو صورت گرفته باشد و بالغ، عاقل و حر باشند، محصن و محصنه گفته می شود؛ ولی احسان در مرد عبارت است از نزدیکی در حال بلوغ و عقل با همسر دائمی یا کنیز از راه جلو و فراهم بودن زمینه این عمل در هر صبح و شام (محقق نجفی، ۱۳۶۲: ج ۴۱، ص ۲۶۹؛ خویی، [بی تا]: ج ۱، ص ۲۰۱ و ۲۰۶)؛ همچنین در زن عبارت است از وطی زن آزاد بالغ و عاقل توسط همسر دائمی و بالغ از راه جلو به گونه ای که موجب غسل شود (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ج ۹، ص ۸۰). با توجه به اینکه فراهم بودن زمینه آمیزش در صبح و شام تنها در حق مرد معتبر است (محقق نجفی، ۱۳۶۲: ج ۴۱، ص ۲۷۶)، این مورد از موارد تفاوت میان زن و مرد به شمار می رود.

۲-۳. همجنس‌بازی (Homosexuality) (لواط و مساحقه)

یکی دیگر از جرایمی که برای زنان مرتکب، مجازات خفیف‌تری در نظر گرفته شده است، جرم همجنس‌بازی است. محقق نجفی درباره لواط این‌گونه تعبیر می‌کند: «اگر لواط به صورت ایقابی^۳ یا به صورت تفخیز باشد، باز لواط نام دارد که در معنای اعم لواط است»؛ اما تأکید می‌کند معنای حقیقی لواط، همان صورت ایقاب است (محقق نجفی، ۱۳۶۲: ج ۴۱، ص ۳۷۶). مساحقه نیز از دیدگاه فقیهان به «وطی المرأه مثلها» تعبیر شده است؛ به این معنا که زنی با زن دیگر آمیزش جنسی پیدا کند (محقق نجفی، ۱۳۶۲: ج ۴۱، ص ۳۸۷؛ خمینی، ۱۳۶۸: ج ۲، ص ۴۷۰؛ خوانساری، ۱۳۵۵: ج ۷، ص ۱۸۳). حد لواط برای فاعل در صورت عنف و اکراه و دارا بودن شرایط احصان، اعدام (قتل) و در غیر این حالت صد ضربه شلاق است؛ همچنین اگر فاعل لواط، غیرمسلمان باشد و مفعول لواط، مسلمان باشد، مجازات فاعل اعدام است؛ اما حد لواط برای مفعول آن در هر حالت (احصان یا غیراحصان) اعدام است.

از نظر مشهور فقیهان در حد مساحقه بین فاعل و مفعول، مسلمان و غیرمسلمان، محصن و غیرمحصن، عنف و بدون عنف تفاوتی وجود ندارد و مجازات آن صد ضربه شلاق است (حلی، ۱۴۰۵: ص ۵۵۵؛ شهید اول، [بی تا]: ص ۲۳۸؛ محقق نجفی، ۱۳۶۲: ج ۴۱، ص ۳۸۷؛ خمینی، ۱۳۶۸: ج ۲، ص ۴۷۰). مطابق دیدگاه غیرمشهور، مجازات مساحقه در صورت اثبات بایینه و وجود شرایط احصان، اعدام و در غیر این حالت صد ضربه شلاق است (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸: ص ۴۱۴؛ خویی، [بی تا]: ج ۴۱، ص ۲۹۹).

۳-۳. محاربه

محارب در اصطلاح فقیهان کسی است که برای ترساندن مردم سلاح می‌کشد (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۴، ص ۱۸۰). مجازات محاربه برای مرد یکی از چهار عنوان اعدام،

به صلیب کشیدن، قطع دست راست و پای چپ و تبعید (نفی بلد) است. این مجازات مورد اجماع فقیهان و تعیین هر کدام از مجازات‌ها بر اساس شدت عمل محارب و آثار و گستردگی آن است. اما مجازات تبعید برای زن محارب در فقه محل بحث است و در این باره دو دیدگاه بین فقیهان وجود دارد؛ دیدگاه مشهور نشان از عمومیت مجازات محارب بین زن و مرد است (حلی، ۱۴۱۹: ج ۹، ص ۲۴۹؛ طوسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۴۸۳)؛ چنان‌که ابن‌ادریس حلی نیز همین تساوی را مطرح می‌کند: «ان احکام المحاربین تتعلق بالرجال والنساء سواء» (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۵۱۰). قانون مجازات اسلامی نیز از قول مشهور تبعیت کرده است و بین مجازات زن و مرد محارب تفاوتی قائل نشده است (ماده ۲۸۲). بر اساس قول غیرمشهور، مجازات تبعید حدی در محاربه به مردان اختصاص دارد و زن محارب تبعید نمی‌شود؛ از جمله قائلان به این نظر محمد بن جنید اسکافی است که می‌فرماید: «حکم محارب به جز قتل، اختصاص به مردان دارد» (حلی، ۱۴۱۹: ج ۹، ص ۲۴۹). بر اساس نظر ایشان اگر کار زن محارب در حد اعدام است، اعدام می‌شود و بقیه مجازات‌ها مربوط به زن نیست.

۳-۴. قَوّادی

قَوّادی در اصطلاح فقیهان عبارت است از جمع کردن زن و مرد برای حرام؛ همان‌طور که ابن‌ادریس حلی می‌فرماید: «الجامع بین النساء والرجال، أو الرجال والغلمان للفجور» (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۴۷۱). محقق نجفی نیز در جواهر الکلام همین معنا را بیان کرده است (محقق نجفی، ۱۳۶۲: ج ۴۱، ص ۳۹۹).

مجازات مرد قَوّاد را در مرتبه اول ۷۵ ضربه شلاق و در مرتبه دوم ۷۵ ضربه شلاق به همراه یک سال تبعید حدی عنوان کرده‌اند. محقق نجفی تبعید مرد قَوّاد را همراه با تراشیدن موی سر و تشهیر مطرح کرده است؛ اما مجازات زن قَوّاد را تنها ۷۵ ضربه شلاق عنوان می‌کند

(محقق نجفی، ۱۳۶۲: ج ۴۱، ص ۴۰۰). بسیاری از فقیهان از جمله فاضل آبی و علامه حلی معتقدند تبعید اختصاص به مرد قواد دارد و زن قواد فقط ۷۵ به ضربه شلاق حدی محکوم می شود (فاضل آبی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۵۶۳؛ حلی، [بی تا]: ج ۵، ص ۳۳۶). بنابراین مطابق قول مشهور در حد قوادی، زن تبعید نمی شود. قانون مجازات اسلامی نیز از قول مشهور تبعیت کرده است. اما طبق دیدگاه غیرمشهور، مجازات زنان و مردان در قوادی یکسان است و زنان هم مانند مردان تبعید می شوند (خوانساری، ۱۳۵۵: ج ۷، ص ۹۱؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ج ۱۳، ص ۱۲۶؛ دیلمی، ۱۴۱۴: ص ۲۵۹).

۳-۵. ارتداد

مرتد از نظر فقیهان کسی است که از اسلام خارج شده و کفر را اختیار کرده است. مرتد در بیان فقیهان به دو قسم مرتد ملی و مرتد فطری تقسیم می شود. در صورتی که زن مرتد ملی یا فطری شود، مجازات اعدام ندارد. جریان نیافتن اعدام زن در ارتداد، امر اجتماعی است (منقول و محصل)؛ همان طور که محقق نجفی می فرماید: «لا تقتل المراه بالرده اجماعاً بقسمیه و خصوصاً بل تحبس دائماً و ان کانت مولوده علی الفطره» (محقق نجفی، ۱۳۶۲: ج ۴۱، ص ۶۱۱)؛ از این رو زن مرتد اعدام نمی شود و در صورت توبه نکردن، به حبس ابد محکوم می شود؛ درحالی که اگر مرد مرتد فطری شود، بلافاصله پس از اثبات ارتداد، به قتل محکوم می گردد و اگر مرتد ملی شود، در صورت توبه نکردن، به قتل محکوم می شود.

افزون بر اینکه سیاست جنایی افتراقی اسلام مؤیدی بر ضرورت افتراقی سازی پرونده شخصیت است، نتایج پژوهش های پیشین که بیان کننده تفاوت ماهیت جرایم ارتكابی زنان و مردان و عوامل خاص مؤثر بر ارتكاب جرم از سوی زنان است، لزوم تنظیم پرونده شخصیت خاص زنان را دوچندان می کند.

۴. ماهیت جرایم ارتكابی زنان (از نظر میزان، نوع و شدت جرایم)

در بیشتر جوامع، عواملی مانند جنسیت، الگوهای ارتكاب جرم، میزان ارتكاب جرایم خاص بین زنان و مردان و شیوه مقابله با جرایم آنان توسط مراجع کیفری راتحت الشعاع قرار داده است. نگاهی گذرا به آمار جنایی نشان می دهد با ورود فزاینده زنان به عرصه های اقتصادی - اجتماعی و با وجود روند رو به رشد بزهکاری آنان طی چند دهه اخیر، در مقایسه با مردان کمتر مرتکب جرم شده اند و نوع جرایم ارتكابی ایشان نیز از اهمیت و شدت کمتری برخوردار بوده است. این میزان کاهش بزهکاری، بیشتر با تکیه بر نگرش های جنسیتی و باورهای فرهنگی جامعه درباره زن و مرد که موضوع اصلی بحث فمینیست ها را نیز شکل می دهد، تبیین شدنی است (رستمی تبریزی، ۱۳۸۸: ص ۲۷۹).

فمینیست ها بر این باورند که باید درباره بزهکاری و بزه دیدگی زنان و همچنین در فرایند رسیدگی کیفری به جرایم آنان، سیاستی متفاوت از سیاستی که درباره جرایم مردان اتخاذ می شود، در پیش گرفته شود. آنان معتقدند نتایج تحقیقات جنایی موجود درباره بزهکاری و بزه دیدگی زنان، قابل اتکا نیست. بر اساس آمار جنایی مردان کمتر، جرایم ارتكابی از سوی زنان را مرتکب می شوند یا قادر به ارتكاب آن نیستند. همچنین آمار جنایی نشان از آن است که جرایمی مانند روسپی گری، کودک کشی و سرقت های مخفیانه از جرایم شایع میان زنان است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷: ص ۱۲۲؛ عالی پور، ۱۳۸۵: ص ۵۵). به طور کلی از نظر دکتر نجفی ابرندآبادی، بزهکاری زنان به جز روسپی گری که جرم شایعی بین زنان است، دارای ویژگی های ذیل است:

(الف) نرخ بزهکاری زنان کمتر از مردان است؛

(ب) زنان مرتکب جرایم خاصی می شوند؛

(ج) زنان بیشتر تمایل دارند معاون جرم شوند؛

(د) میزان تکرار جرم از سوی زنان کمتر است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷: ص ۱۲۲).

نتایج پژوهش‌های دیگر کشورها نیز بیان‌کننده آن است که زنان کمتر از مردان مرتکب جرم می‌شوند (جدول ۱) (آبوت و والاس، ۱۳۹۷: ص ۲۱۲):

جدول (۱): محکومان جرایم جنایی در دادگاه‌های انگلستان و ویلز، سال ۱۹۸۶، بر اساس جنس و نوع جرم

نوع جرم		مردان		زنان	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
اعمال خشونت		۳۹/۸	۹۲/۳	۳/۳	۷/۷
جرایم جنسی		۵/۴	۹۸/۲	۰/۱	۱/۸
دزدی از خانه‌ها		۵۴/۸	۹۷/۰	۱/۷	۳/۰
راهزنی		۴/۰	۹۵/۲	۰/۲	۴/۸
سرقت و معامله اجناس دزدی		۱۴۸/۶	۸۱/۰	۳۴/۹	۱۹/۰
تقلب و جعل اسناد		۱۸/۱	۷۸/۷	۴/۹	۲۱/۳
تخریب عمدی		۹/۳	۹۳/۰	۰/۷	۷/۰
جرایم مواد مخدر		۱۴/۷	۸۷/۰	۲/۲	۱۳/۰
تخلفات رانندگی		۲۶/۸	۹۶/۸	۰/۹	۳/۲
جرایم دیگر		۱۳/۴	۹۱/۸	۱/۲	۸/۲
جمع کل		۳۳۴/۹	۸۷/۰	۵۰/۱	۱۳/۰

با بررسی تحولات صورت گرفته در تعداد، میزان و الگوی جرایم ارتكابی زنان ایران در دو دهه اخیر، این نتیجه به دست می‌آید که با وجود افزایش چهاربرابری تعداد محکومان زن، نسبت جرایم زنان به کل جرایم ثابت مانده و حتی اندکی کاهش یافته است؛ افزون بر این الگوی جرایم زنان ایران، بر اساس الگوی سنتی جرم بوده و بیشتر بر جرایم اخلاقی، جنسی و مواد مخدر تمرکز دارد؛ این امر با یافته‌های حاصل از نظریات مبتنی بر ارتباط عوامل زیست‌شناختی، شخصیتی و اجتماعی با وقوع جرم نیز مطابقت دارد (جربانی، ۱۳۸۹: ص ۹۱).

همچنین یافته‌های آماری در ایران درباره مجرمان محکوم به زندان نشان می‌دهند که طی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰، نسبت زنان زندانی به کل زندانیان همواره کمتر از شش بوده است و با وجود افزایش چهاربرابری تعداد محکومان زن، نسبت جرایم زنان به کل جرایم تقریباً ثابت مانده است (جدول ۲) (جربانی، ۱۳۸۹: ص ۱۰۴).

جدول (۲): تعداد و نسبت زنان محکوم به زندان از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰

سال	تعداد کل محکومان زندان‌ها	تعداد زنان زندانی	تعداد زندانیان زن به کل زندانیان
۱۳۶۰	۱۴۵۰۱۱	۷۰۷۶	۴/۹
۱۳۶۵	۲۰۷۵۴۱	۱۱۰۴۷	۵/۳
۱۳۷۰	۲۵۵۵۳۵	۱۲۶۴۳	۴/۹۵
۱۳۷۵	۴۲۷۵۶۴	۱۹۰۴۱	۴/۴۵
۱۳۸۰	۶۶۱۱۳۰	۲۹۶۴۶	۴/۴۸

از نظر نوع جرایم نیز آمارها بیان می‌کنند مهم‌ترین عامل دستگیری زنان، ارتکاب جرایم جنسی و اخلاقی است؛ به طوری که در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۴، به ترتیب ۱/۸۹، ۹/۵۳ و ۱/۶۱ درصد از موارد بازداشت زنان به این دلیل انجام گرفته است (جربانی، ۱۳۸۹: ص ۱۱۲). مطابق موارد ذکرشده، الگوی جرایم زنان از نظر میزان، نوع و شدت با جرایم ارتكابی از سوی مردان تفاوت دارد. به یقین این تفاوت معلول عوامل مختلفی از جمله تفاوت‌های طبیعی زن و مرد، نقش‌های متفاوت آنان و عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است که زنان و مردان در مواجهه با آنان تجارب متفاوتی دارند؛ از این رو دستگاه قضایی برای تحقق یک دادرسی عادلانه نباید از این تفاوت‌ها غافل شود. یکی از مهم‌ترین سازوکارهایی که می‌تواند با در نظر گرفتن این تفاوت‌ها و ابعاد مختلف شخصیت متهم و مجرم، تناسب بین جرم و مجازات را امکان‌پذیر کند، پرونده شخصیت ویژه هر یک از دو جنس است.

۵. علل ارتکاب جرایم از سوی زنان

در نظر گرفتن متغیر جنسیت در بررسی عوامل مؤثر در ارتکاب جرم نیز ضروری است. برخی از عوامل مؤثر در ارتکاب جرم از سوی زنان، بر اساس پژوهش‌های پیشین به شرح ذیل است: فقر و بیکاری از جمله عوامل قطعی و تأثیرگذار در پیدایش جرم و ارتکاب آن است. توزیع ناعادلانه ثروت در جامعه باعث افزایش فاصله طبقاتی می‌شود و آثار ویران‌کننده‌ای در پی دارد که پیدایش جرم و اشاعه آن در جامعه از آن جمله است. در واقع فقر و انحراف‌های اجتماعی (جرم به معنای اعم)، از جمله پدیده‌های مرتبطی هستند که تحقیقات و پژوهش‌ها، وجود همبستگی میان آن دو را تأیید می‌کنند (نوغانی و میرمحمدتبار، ۱۳۹۴: ص ۸۵). از آنجاکه امروزه با پدیده زنانه شدن فقر روبرو هستیم (براتی و ابراهیمی سالاری، ۱۳۹۷: ص ۴۳)، فقر در وقوع انحراف‌ها و افزایش میزان جرایم زنان، تأثیر فراوانی دارد.

از دیگر عوامل مؤثر در ارتکاب جرم از سوی زنان، اعتیاد، محیط زندگی نابسامان، ناکامی و شکست در زندگی، نبود زندگی متعارف و بهنجار و متناسب با زندگی بیشتر مردم جامعه، مانند مورد خشونت قرار گرفتن از سوی بیگانه یا خانواده، خیانت همسر یا ازدواج مجدد وی و طلاق والدین است (شایگان و جبلی، ۱۳۸۹: ص ۸۱).

نتایج پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد بین ازهم‌گسیختگی خانواده، زندگی در محلات فقیرنشین، اعتقادات مذهبی، تحصیلات، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و زندانی شدن زنان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (جهانبخش و ترکی هرچگانی، ۱۳۹۵: ص ۱۱۹)؛ همچنین بین اعتیاد همسر و ازهم‌گسیختگی خانوادگی رابطه معناداری وجود دارد (شایگان و معتمدی، ۱۳۹۳: ص ۱۶۳).

از دیگر عوامل مؤثر در ارتکاب جرایم زنان، توجه نکردن همسر به نیازهای عاطفی و جنسی اوست. توجه به برطرف کردن نیازهای جنسی و عاطفی همسر، اختصاص به زوجه ندارد

و زوج نیز باید به این امر اهتمام ورزد. در روایات متعدد، آراستگی و رعایت بهداشت و خودآرایی مردان متأهل، زمینه ساز عفت همسران آنها قلمداد شده است که رعایت نکردن آن، سبب بی میلی زنان به رابطه جنسی، کراهت از زوج و چه بسا موجب ارتکاب جرم شود (ایزدی و مهدوی کنی، ۱۳۹۹: ص ۶۳).

در نهایت گفتنی است در موارد متعددی زنان بزهکار، بزه دیده گانی هستند که برای احقاق حق خویش به محاکم دادگستری رجوع کرده اند؛ اما به دلیل اطاله دادرسی یا پیچیدگی فرایند دادرسی یا دیگر عواملی که خارج از اراده آنها بوده است و به سیستم قضایی برمی گردد، خود اقدام به گرفتن حق خود کرده اند که این امر موجب ارتکاب جرم های مختلفی شده است. درواقع می توان گفت اطاله دادرسی و ناامید شدن زن از رسیدن به حقوق قانونی خود و ترس از پایمال شدن آن، سبب ارتکاب بسیاری از جرایم شده است (ایزدی و مهدوی کنی، ۱۳۹۹: ص ۶۳).

ازاین رو لازم است با توجه به این عوامل و تفاوت های زنان و مردان در تجربه زیسته شان و مواجهه متفاوت آنها با شرایط مختلف و تأثیر آن بر ارتکاب جرم، افتراقی سازی پرونده شخصیت زنان مورد توجه قرار بگیرد.

نتیجه

با توجه به نقش مؤثر و کلیدی زنان در خانواده و اجتماع از یک سو و وجود تعداد بالای متهمان زن در دادگاه های ایران و انباشتگی پرونده های قضایی زنان از سوی دیگر، توجه به جرایم زنان، علل مؤثر در ارتکاب جرایم آنان، پیشگیری از وقوع جرم از سوی آنان، بازپذیری و اصلاح زنان مجرم و دسترسی زنان به عدالت کیفری امری دارای اهمیت است. تشکیل پرونده شخصیت، سازوکاری است که می تواند به اهداف

مذکور جامه عمل بپوشاند؛ چراکه در باب لزوم ایجاد تناسب میان جرم و مجازات، تطبیق نوع و میزان مجازات با شخصیت فرد، اعمال اصل فردی کردن مجازات‌ها و تعیین روش‌های اصلاحی، تربیتی و درمانی متناسب با شخصیت بزهکار است که تشکیل پرونده شخصیت موضوعیت می‌یابد.

جرم‌شناسان فمینیست با نقد جرم‌شناسی سنتی بیان می‌دارند که نظریه‌های موجود برای فهم و توضیح علل بزهکاری زنان کارآمد نیستند و در نظریات موجود زنان همواره در حاشیه هستند و باید الگوهای نظریه را به گونه‌ای تغییر داد تا بتوانند بزهکاری زنان را نیز توجیه کنند. از نظر آنان ضرورت بررسی‌های تجربی درباره زنان خلافکار برای آگاهی از شرایطی که تحت آن به قانون شکنی دست می‌زنند، اکنون به روشنی آشکار شده است؛ از این رو آنان بر ضرورت سیاست جنایی افتراقی تأکید می‌ورزند.

درحالی‌که عده‌ای جرم‌شناسی فمینیستی را پیشگام دفاع از حقوق کیفری زنان می‌دانند، نظام جزایی اسلام قرن‌ها پیش در کنار مجموعه گسترده‌ای از مشابهت‌های حقوقی، تمایزهایی را میان مجازات مجرمان زن و مرد در نظر گرفته است که به حسب اقتضای عدالت بر اساس نوعی جهت‌گیری ارفاقی و حمایت‌گرایانه درباره زنان استوار است. بر همین اساس در فقه اسلامی مجازات زنان و مردان بزهکار در جرایمی چون زنا، همجنس‌بازی، قوادی، ارتداد و محاربه متفاوت است که بیان‌کننده سیاست جنایی افتراقی اسلام می‌باشد؛ از این رو مبنای توجیه ضرورت تشکیل پرونده شخصیت ویژه زنان متهم و بزهکار بر سیاست کیفری اسلام استوار نه جرم‌شناسی فمینیستی که بر اصولی چون امانیسم و فردگرایی استوار است.

افزون بر سیاست جنایی افتراقی اسلام، تفاوت ماهیت جرایم ارتكابی زنان و مردان و عوامل مؤثر بر ارتكاب جرایم زنان، مؤیدی بر لزوم افتراقی‌سازی پرونده شخصیت است.

پی‌نوشت‌ها

۱. مراد از بکر، فردی است که ازدواج کرده، اما هنوز با همسرش مواجهه نکرده است.
۲. زیرا در صورت تبعید زن، خانواده وی نیز معمولاً متحمل سختی می‌شوند و همراه زن به تبعیدگاه می‌روند.
۳. دو نفر همجنس مرد با هم عمل مواجهه از دبر نمایند.

کتاب‌نامه

- ابراهیمی، ابراهیم (۱۳۹۰ ش)؛ «موانع تشکیل پرونده شخصیت در نظام کیفری ایران»؛ نشریه مطالعات پیشگیری از جرم، سال ۶، ش ۱۸.
- ابن‌ادریس حلی، ابی جعفر محمد بن منصور (۱۴۱۰ ق)؛ السرائر؛ ج دوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق)؛ من لا یحضره الفقیه؛ ج ۴ - ۵، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (۱۴۰۸ ق)؛ الوسیله؛ ج اول، قم: کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی (ره).
- ابن‌زهره، حمزه بن علی [بی‌تا]؛ غنیة النزوع إلى علمی الأصول والفروع؛ ج ۱، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
- آبوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۹۷ ش)؛ جامعه‌شناسی زنان؛ ترجمه: منیژه نجم‌الدین عراقی؛ تهران: نشر نی.
- آشوری، محمد و شادی عظیم‌زاده (۱۳۹۲ ش)؛ «جایگاه پرونده شخصیت در فرآیند پیشگیری از پایداری بزهکاری جوانان»؛ نشریه مطالعات حقوق خصوصی، سال ۴۳، ش ۱.
- امینی، صابر و همکاران (۱۴۰۱ ق)؛ «جایگاه پرونده شخصیت مجرم و نقش آن در کشف جرم»؛ نشریه کارآگاه، دوره ۱۶، ش ۵۸.
- ایزدی، نرگس و صدیقه مهدوی‌کنی (۱۳۹۹ ش)؛ «دادرسی افتراقی زنان بزهکار از دیدگاه اسلام با نگاهی به جرم‌شناسی فمینیستی»؛ نشریه فقه و حقوق خانواده، ش ۷۳.

- براتی، محمدعلی و تقی ابراهیمی سالاری (۱۳۹۷ ش)؛ «عوامل مؤثر بر فقر در خانوادهای دارای سرپرست زن در ایران»؛ فصلنامه رفاه اجتماعی، ش ۶۸.
- جربانی، حمید (۱۳۸۹ ش)؛ «بررسی آماری جرایم زنان در ایران با تأکید بر محکومیت به حبس»؛ مجله حقوقی دادگستری، س ۷۴، ش ۷۲.
- جهانبخش، اسماعیل و محبوبه ترکی هرچگانی (۱۳۹۵ ش)؛ «بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی مؤثر بر جرم زنان زندانی شهر شهرکرد»؛ نشریه پژوهش اجتماعی، ش ۳۱.
- حسینی، محمد (۱۳۹۷ ش)؛ «سیاست جنایی افتراقی در سنت علوی با تأکید بر عهدنامه مالک»؛ حقوق اسلامی، س ۱۵، ش ۵۷.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۹ ق)؛ مختلف الشیعة؛ ج اول، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- _____ [بی تا]؛ تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامیة؛ قم: مؤسسة الامام الصادق (ع).
- حلی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵ ق)؛ جامع الشرائع؛ ج اول، قم: سید الشهداء.
- خمینی، سیدروح الله (۱۳۶۸ ش)؛ تحریر الوسیلة؛ ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خوانساری، سیداحمد (۱۳۵۵ ش)؛ جامع المدارك فی شرح المختصر النافع؛ ج ۷، چ دوم، تهران: مکتبة الصدوق.
- خویی، ابوالقاسم [بی تا]؛ مبانی تکملة المنهاج؛ قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخویی (ره).
- درازی، سمیه و محمدعلی حاجی ده آبادی (۱۳۹۸ ش)؛ «نقد و بررسی جرم شناسی فمینیستی»؛ دومین کنگره بین المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی و اسلامی، تهران: [بی نا].
- دیلمی، ابویعلی حمزه بن عبدالعزیز (۱۴۱۴ ق)؛ المراسم العلویة فی النبوة؛ قم: منشورات الحرمین.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۸ ش)؛ «نقد و نظر؛ نقد دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت متهم؛ بازتاب جرم شناسانه سیاست جنایی قضایی»؛ نشریه کانون وکلای، ش ۲۴۲.
- رستمی تبریزی، لمیا (۱۳۸۸ ش)؛ «درآمدی بر رویکرد جنسیتی جرم شناسی»؛ مجله تحقیقات حقوقی، ش ۵۰.
- سبزه علی، راضیه، محمود اشرفی و مسعود حیدری (۱۳۹۷ ش)؛ «آثار پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران»؛ نشریه حقوقی دادگستری، ش ۱۰۴.
- سبزواری، سیدعبدالأعلى [بی تا]؛ مذهب الاحکام فی بیان حلال و الحرام؛ ج ۲۷، قم: دار التفسیر.

سلیمانی، رضا و محمد حسین حجاریان (۱۳۹۶ ش)؛ «پرونده شخصیت متهم در قانون آیین دادرسی کیفری مصوبه ۱۳۹۲»؛ نشریه مطالعات حقوق، ش ۱۱.

شایگان، فریبا و صدیقه معتمدی (۱۳۹۳ ش)؛ «بررسی تأثیر عوامل اجتماعی در بزهکاری زنان (مقایسه زنان بزهکار با زنان غیربزهکار تحت پوشش بهزیستی رباط کریم)»؛ نشریه مطالعات راهبردی زنان، ش ۶۳.

شایگان، فریبا و معصومه جبلی (۱۳۸۹ ش)؛ «بررسی عوامل فردی مؤثر بر گرایش بزهکاری زنان»؛ نشریه پلیس زن، ش ۴.

شهید اول، محمد بن مکی جزینی عاملی [بی تا]؛ اللعة الدمشقية؛ قم: دار الفکر.

شهید ثانی، زین الدین جبعی عاملی (۱۴۱۰ ق)؛ الروضة البهیه فی شرح اللعة الدمشقية؛ قم: داورى.

صادق زاده، ابراهیم (۱۳۹۸ ش)؛ «جرم شناسی اطفال و ارزیابی شخصیت اطفال بزهکار»؛ نشریه پژوهش های حقوقی قانون یار، دوره دوم، ش ۷.

صالحی، مریم، زینب اختری و محمد ساقیان (۱۳۹۹ ش)؛ تفاوت جنسیتی در عملکردهای مغزو رفتار (از دیدگاه نورویبولوژی)؛ تهران: ابن سینا.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۶۵ ش)؛ تهذیب الاحکام؛ ج ۱۰، چ چهارم، تهران: دار الکتب العلمیه.

_____ (۱۴۰۰ ق)؛ النهایة؛ چ دوم، بیروت: دار الکتب العربی.

_____ (۱۴۱۷ ق)؛ الخلاف؛ ج ۲ - ۵، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

عاکفی، لاله، امیر ایروانیان و امیر پاک نهاد (۱۳۹۹ ش)؛ «ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار از دیدگاه زنان کارشناس»؛ نشریه زن و جامعه، س ۱۱، ش ۴.

عالی پور، حسن (۱۳۸۵ ش)؛ «فمینیسم و جرم شناسی»؛ نشریه مطالعات راهبردی زنان، ش ۳۰.

فاضل آبی، حسن بن ابی طالب یوسفی (۱۴۱۷ ق)؛ کشف الزموز؛ چ سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

فاضل هندی، بهاء الدین محمد بن حسن [بی تا]؛ کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۰ ق)؛ الکافی؛ ج ۲ - ۴، چ اول، قم: دار الحديث للطباعة والنشر.

محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق)؛ شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام؛ ج ۴، چ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

محقق نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲ ش)؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ ج ۴۱، چ ششم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

محمدیان، سارا و بابک محمدرضاپور (۱۳۹۲ ش)؛ «لزوم تشکیل پرونده شخصیت در فرایند دادرسی کیفری ایران»؛ نشریه پزشکی قانونی ایران، دوره ۱۹، ش ۲ - ۳.

مرادی شورابه، وحید و احسان فرهادی سمنبانی (۱۴۰۰ ش)؛ «اصل فردی کردن مجازات در پرتو تشکیل پرونده شخصیت در مرحله قبل و بعد از اجرای حکم»؛ نشریه مطالعات حقوق، ش ۱۵. معظمی، شهلا (۱۳۸۲ ش)؛ فرار دختران چرا؟؛ تهران: گرایش.

مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ ق)؛ مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان؛ ج ۱۳، چ اول، قم: جامعة المدرسين.

ناظریان، حسین، محمد فرجیها و محمدجعفر حبیب زاده (۱۳۹۸ ش)؛ «موانع دسترسی زنان متهم به جرایم جنسی به عدالت در پرتو نظریه "مدونا - حور"»؛ نشریه مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، ش ۱۲.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۷ ش)؛ دانشنامه جرم شناسی؛ تهران: گنج دانش. نجفی توانا، علی (۱۳۸۸ ش)؛ «ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی اطفال بزهکار»؛ نشریه خانواده پژوهی، ش ۱.

نوغانی دخت بهمنی، محسن و سیداحمد میرمحمد تبار (۱۳۹۴ ش)؛ «بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم (فراتحلیلی از تحقیقات انجام شده در ایران)»؛ پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۴، ش ۳.

وطنی، امیر، اعظم مهدوی پور و حدیثه تاجیک نشاطی (۱۳۹۸ ش)؛ «آسیب شناسی تحقق اهداف اصلاحی - درمانی بزهکاران از طریق پرونده شخصیت در فرایند دادرسی کیفری»؛ نشریه حقوق پزشکی، ش ۵۰.

Ngaire, Naffine (1997) *Feminism and Criminology*, polity press, first.

William, Wilbanks (2006) *Are Female Felons Treated More Leniently by the Criminal Justice System?* Volume 3, Published online.

References

- Abbott, Pamela, Melissa Tyler, and Claire Wallace. 1397 Sh. *Jāmi 'ihshināsī-yi zanān*. Translated by Monijeh Najmoddin Araghi. Tehran: Ney Publications.
- Akefi, Laleh, Amir Iravanian, and Amir Paknahad. 1399 Sh. "Žarurat-i tashkīl-i parvandih-yi shakhshiyat dar dādrasī-yi atfāl va nawjavānān-i bizihkār az dīdgāh-i zanān-i kārshinās." *Zan va jāmi 'ih* 11, no. 4: 117-38.
- Alipour, Hasan. 1385 Sh. "Fimīnīsm va jurmshināsī." *Muṭāli 'āt-i rāhburdī-yi zanān*, no. 30: 50-72.
- Amini, Saber, Morteza Najī Zavareh, and Maryam Aghaei Bejestani. 1401 Sh. "Jāyghāh-i parvandih-yi shakhshiyat-i mujrim va naqsh-i ān dar kashf-i jurm." *Kārāghah* 16, no. 58: 123-47.
- Ashouri, Mohammad and Shadi Azimzadeh. 2013. "Position of personality profile in the process of prevention of stabilization of criminality in juveniles." *Private law studies quarterly* 43, no. 1: 195-213.
- Barati, Mohammad Ali and Taghi Ebrahimi Salari. 2018. "Factors Affecting the Poverty through the Female-Headed Households in Iran." *Social welfare quarterly* 18, no. 68: 43-85.
- Daylamī, Abū Ya'la Ḥamza b. 'Abd al-'Azīz al-. 1414 AH. *Al-Marāsīm al-'Alawīyya fī al-nabawīyya*. Qom: al-Ḥaramayn Publications.
- Derazi, Somayeh and Mohammad Ali Haji Dehabadi. 1398 Sh. "Naqd va barrasī-yi jurmshināsī-yi fimīnīstī." Second International Congress on Innovation and Research in Human and Islamic Sciences. Tehran: n.d.
- Ebrahimi, Ebrahim. 1390 Sh. "Mavānī '-i tashkīl-i parvandih-yi shakhshiyat dar nizām-i kayfarī-yi Iran." *Muṭāli 'āt-i pīshgūrī az jurm* 6, no. 18: 188-204.
- Fāḍil al-Ābī, al-Ḥasan b. Abī Ṭālib al-Yūsufī al-. 1417 AH. *Kasf al-rumūz*. Qom: Islamic Publishing Office.
- Fāḍil al-Hindī, Bahā' al-Dīn Muḥammad b. al-Ḥasan al-. n.d. *Kashf al-lithām wa-l-ibhām 'an qawā'id al-aḥkām*. Qom: Islamic Publishing Institute affiliated with the Society of Seminary Teachers.
- Hassani, Mohammad and Mahmoud Mirkhalili. 2018. "Differential criminal policy in the Alawi tradition with emphasis on the Treaty of Malik." *Islamic law* 15, no. 57: 145-73.
- Ḥillī, al-Ḥasan b. Yūsuf al-. 1419 AH. *Mukhtalaf al-Shī'a*. Qom: Islamic Publishing Institute.
- Ḥillī, al-Ḥasan b. Yūsuf al-. n.d. *Tahrīr al-aḥkām al-shar'īyya 'alā madhhab al-Imāmīyya*. Qom: Imam Sadiq Institute.

- Ḥillī, Yahyā b. Saʿīd al-. 1405 AH. *Jāmiʿ al-sharāʿi*. Qom: Sayyid al-Shuhada.
- Ibn Bābawayh (al-Shaykh al-Ṣadūq), Muḥammad b. ʿAlī. 1413 AH. *Man lā-yahḍuruh al-faqīh*. Vols. 4-5. Qom: Islamic Publishing Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom.
- Ibn Ḥamza al-Ṭūsī, Muḥammad b. ʿAlī. 1408 AH. *Al-Wasīla*. Qom: Library of Ayatollah Marʿashi Najafī.
- Ibn Idrīs al-Ḥillī, Abū Jaʿfar Muḥammad b. Maṣṣūr. 1410 AH. *Al-Sarāʾir*. Qom: Islamic Publishing Institute.
- Ibn Zuhra, Ḥamza b. ʿAlī. n.d. *Ghunyat al-nuzūʿ ilā ʿilmay al-uṣūl wa-l-furūʿ*. Qom: Imam Sadiq Institute.
- Izadi, Narges and Sedigheh Mahdaviyani. 2020. "Differential trial of delinquent women from the perspective of Islam with a view to feminist criminology." *Family law and jurisprudence journal* 25, no. 73: 49-74.
- Jahanbakhsh, Esmaeil and Mahboubeh Torki Harchagani. 1395 Sh. "Barrasī-yi ʿavāmil-i ijtīmāʿī, iqtisādī-yi muʿaṣṣir bar jurm-i zanān-i zindānī-yi shahr-i Shahrekord." *Pazhūhish-i ijtīmāʿī* 8, no. 31: 119-44.
- Jarabani, Hamid. 2010. "Statistical Analysis of Crimes Committed by Iranian Womens (With an Emphasis on Imprisonment)." *The judiciary's law journal* 74, no. 72: 91-117.
- Khoei, Abu al-Qasim. n.d. *Mabānī takmilat al-minhāj*. Qom: Institute for the Revival of Imam Khoei's Works.
- Khomeini, Sayed Ruhollah. 1368 Sh. *Tahrīr al-wasīla*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Khawānsārī, Sayyid Aḥmad al-. 1355 Sh. *Jāmiʿ al-madārik fī sharḥ al-mukhtaṣar al-nāfi*. Tehran: Maktabat al-Ṣadūq.
- Kulaynī, Muḥammad b. Yaʿqūb al-. 1430 AH. *Al-Kāfi*. Vols. 2-4. Qom: Dār al-Ḥadīth li-l-Ṭibāʿa wa-l-Nashr.
- Moazzami, Shahla. 1382 Sh. *Farār-i dukhtarān chirā?* Tehran: Girāyish.
- Mohammadian, Sara and Babak Mohammadrezapour. 2013. "Personality Dossier Necessity in Iran Criminal Process." *Iranian journal of forensic medicine* 19, no. 2-3: 321-30.
- Moradi Shoorabeh, Vahid and Ehsan Farhadi Saman-Bani. 1400 Sh. "Aṣl-i fardī kardan-i mu-jāzāt dar partuv-i tashkīl-i parvandih-yi shakhsīyat dar marḥalih-yi qabl va baʿd az ijrāyi ḥukm." *Muṭālīʿāt-i ḥuqūq*, no. 15: 423-41.

- Muḥaqqiq al-Hillī, Ja'far b. al-Ḥasan al-. 1408 AH. *Sharā'ī 'al-Islām fī masā'il al-ḥalāl wa-l-ḥarām*. Vol. 4. Qom: Esmacilian Institute.
- Muḥaqqiq al-Najafī, Muḥammad Ḥasan al-. 1362 Sh. *Jawāhir al-kalām fī sharḥ sharā'ī 'al-Islām*. Vol. 41. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Muqaddas al-Ardabīlī, Aḥmad b. Muḥammad al-. 1403 AH. *Majma' al-fā'ida wa-l-burhān fī sharḥ irshād al-adhhān*. Vol. 13. Qom: Society of Seminary Teachers.
- Najafi Abrandabadi, Ali Hossein. 1377 Sh. *Dānishnāmīh-yi jurmshināsī*. Tehran: Ganj-i Dānish.
- Najafi Tavana, Ali. 2009. "The Necessity of Personality File Formation in Juvenile Delinquent Trial." *Journal of family research* 5, no. 2: 293-319.
- Nazerian, Hossein, Mohammad Farajih, and Mohammad Jafar Habibzadeh. 1398 Sh. "Obstacles of Access to Justice for Women Accused of Sexual Offenses in light of the Madonna-Whore Theory." *Muṭālī'āt-i ḥuqūq-i kayfarī va jurmshināsī* 49, no. 1: 209-21.
- Ngaire, Naffine. 1997. *Feminism and Criminology*. Cambridge: Polity Press.
- Noghani Dokht Bahmani, Mohsen and Seyed Ahmad Mir Mohamad Tabar. 2016. "Study of Economic Factors Affecting the Crime (Meta-analysis of Research Conducted in Iran)." *Strategic research on social problems* 4, no. 3: 85-102.
- Rayejian Asli, Mehrdad. 1398 Sh. "Naqd va naẓar: naqd-i dastūr al-'amal-i tashkīl-i parvandih-yi shakhshiyat-i muttahaḥ: bāztāb-i jurmshināsānīh-yi siyāsāt-i jināyī-yi qaẓā'ī." *Kānūn-i vukalā*, no. 242: 29-34.
- Rostami Tabrizi, Lamia. 1388 Sh. "Darāmadī bar rūykard-i jinsiyatī-yi jurmshināsī." *Legal research quarterly* 12, no. 50.
- Sabzawārī, Sayyid 'Abd al-A'lā al-. n.d. *Muḥadhdhab al-aḥkām fī bayān al-ḥalāl wa-l-ḥarām*. Vol. 27. Qom: Dār al-Tafsīr.
- Sabzehali, Raziye, Mahmood Ashrafy, and Masoud Heidari. 2019. "Effects of Personality Record in Iranian Criminal Law Case." *The judiciary's law journal* 82, no. 104: 67-93.
- Sadeghzadeh, Ebrahim. 1398 Sh. "Jurmshināsī-yi aṭfāl va arzyābī-yi shakhshiyat-i aṭfāl-i bizih-kār." *Pazhūhish-hāyi ḥuqūqī-yi qānūnyār* 2, no. 7: 121-32.
- Salehi, Maryam, Zeinab Akhtari, and Mohammad Saghian. 1399 Sh. *Tafāvut-i jinsiyatī dar 'amalkardhāyi maghz va raftār (az dīd-i neurobiology)*. Tehran: Ibn Sīnā.
- Shahīd al-Awwal, Muḥammad b. Makkī al-Jazīnī al-'Āmilī al-. n.d. *Al-Lum'at al-Dimashqiyya*. Qom: Dār al-Fikr.

- Shahīd al-Thānī, Zayn al-Dīn al-Jabā'ī al-Āmilī al-. 1410 AH. *Al-Rawḍat al-bahiyya fī sharḥ al-hum'at al-Dimashqiyya*. Qom: Davari.
- Shayegan, Fariba and Masoumeh Jebelli. 1389 Sh. "Barrasī-yi 'avāmil-i fardī-yi mu'assir bar girāyish-i bizihkāri-yi zanān." *Pulīs-i zan* 13, no. 4: 63-100.
- Shayegan, Fariba and Sediqeh Mo'tamedi. 2014. "The Effect of Social Factors on Women's Delinquency (The comparison between delinquent and non-delinquent women covered by Robat-Karim Welfare Organization)." *Muqāli'āt-i rāhburdī-yi zanān* 16, no. 63: 163-98.
- Soleimani, Reza and Mohammad Hossein Hajjarian. 1396 Sh. "Parvandih-yi shakhshiyat-i muttahaḥ dar qānūn-i āyīn-i dādrasī-yi kayfarī muṣavvabih-yi 1392." *Muqāli'āt-i huquq*, no. 11: 227-40.
- Ṭūsī, Abū Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1365 Sh. *Tahdhīb al-aḥkām*. Vol. 10. Tehran: Dār al-Kutub al-Ilmiyya.
- Ṭūsī, Abū Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1400 AH. *Al-Nihāya*. Beirut: Dār al-Kitāb al-ʿArabī.
- Ṭūsī, Abū Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1417 AH. *Al-Khilāf*. Vols. 2-5. Qom: Islamic Publishing Institute.
- Vatani, Amir, Azam Mahdavi-pour, and Hadiseh Tajik Neshati. 2019. "Pathology of Fulfillment of Offenders' Corrective-Therapeutic Goals through Personality Records (Personality File) in Criminal Proceedings." *Medical law journal* 13, no. 50: 169-92.
- Wilbanks, William. 1986. "Are female felons treated more leniently by the criminal justice system?." *Justice Quarterly* 3, no. 4: 517-29.